

زاله عزیز ، نامه مهربان شما دریافت نموده از مضمون آن بسیار خوشحال شدم و میتوانم  
 بگویم افتخار کردم . افتخار کردم که دختر خلق مبارز ایران روح انقلابی و احساس دیرینه را کم نکرده  
 بلکه به آن افزوده است . آخر این به مجرم بیگانه و ابلهانه ترجمین ایران - نوکرهای  
 انگلیس و آمریکا ، فقط به من ~~بگفتند~~ نیست بلکه تهمت و دروغ در حق کشور شوروی و همه آزادخواهان  
 جهانست . من تنها چه اهیتی دارم ! دستها به جهنم شرح دادن احوال من - میکوشند که شاید  
 بتوانند بدامن شریف شورا لگه ای بزنند . این اظهار مفکری شما با من بروز احساس  
 انقلابی و لغت نسبت به همه دشمنان انسانیت است . عاقبت دشمنان رسوا شدند  
 خلق بیدار ایران دام فریب آنها را پاره کرد .

گرامی زاله ، پاسخ نامه شما در نوشتم . بنحیث ! میخواستم اثری را که برای رابردی  
 فرستاده اید به بینم و در یک زمان فکر خود را درباره هر دو شعر بنویسم . لیکن افسوس  
 که تاکنون دیدن آن شعر نیستم شده است . اما در خصوص شعر « غنچه های که در ایران نشکفته  
 پرپر میشوند » در شکل شعر خیلی موفقیت دارید . فقط ، استه مادام ، قافیه : وه  
 که از خم و کینه موزونم » را با مصرع : « از سیه چال هدیش زندان » هم قافیه کنید .  
 راست است که شما در نظر نداشتید که آنرا با مصرع پس از آن : « کاش این پارچه  
 که می بافم » هم قافیه کنید . لیکن از آنجا که این دو قافیه : « می سوزم » و « می بافم »  
 پس هم آمده اند قدری نامناسب شده اند . « کاش نابود گردد آنکس که » را اگر  
 با « آنکس کو » عوض کنید به گمان من بهتر و روانتر میشود .

اما در خصوص مضمون : در زینیل زبانه جا دادن دخترک درست توضیح  
 نده است . به این معنی که در هر حال راننده کامیون بچه را در زینیل میدید . ممکن  
 نیست که نبیند . مگر اینکه روی بچه خوابیده یک وجب زبانه ریخته باشد . اینهم که نشدنی است  
 در هر حال این تصویر قانع کننده نیست . مسئله دیگر بود اگر یک کامیون آنرا بر میگردد .  
 این حقیقت در یکی از فامرکهای تهران رخ داده است .



مکن است یک راننده مست زباله؟ روی بچه سیریزد و زینیل پر شده را به کاسیون  
می اندازد. یا چیزی مانند این. باور کنید که ولو این قضیه حقیقت هم باشد، متقاعد کننده  
نیست. خواهشمندم شکل دیگری برای خواباندن کودک پیدا کنید و این اثر لطیف را  
نجات دهید.

با تویم بسا سلام صمیمی می رسانم. خدمت همه محرماتان سلام فراوان و رضقانه

میفرستم.

آرزو مندیم که شما سرنفر شاعر انقلابی ایرانی؛ شما آذر و بهرامی باید دیگر  
علاقه دوستی، برادری، همکاری و صمیمیت داشته باشید. آثار خود را به یکدیگر نشان  
دهید. فکر خود را آثارا بیان کنید و اثرهای پر ارزشی ایجاد کنید. رفیق آذر شاعر  
بزرگ و مرد شریفی است گاهی بر سر گرد آمده یک محفل شاعرانه تشکیل بدهید، روح  
ارادت مرا هم در آنجا به نظر محبت بیاورید.

زنده باشید.

مهراد احمدی

54/11/5